

جزء سیام

این جزء از آیه 1 سوره نباء آغاز و تا آیه
60 سوره ناس ادامه دارد.

در این جز سوره نباء، نازعات، عبس، تکویر، انفطار، مطففین، انشقاق، بروج،
قیامة، الطارق و اعلی، الغاشیة، فجر، بلد، الشمس، اللیل، ضحی، انشراح، تین،
علق، قدر، بینه، زلزال، عادیات، قارعه، تکاثر، عصر، همزة، فیل، قریش، ماعون،
کوثر، کافرون، نصر، مسد، توحید، فلق، ناس قرار دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ (۱)

عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ ﴿٢﴾

از آن خبر بزرگ [قیامت کبری] (۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾

که همواره درباره آن با یکدیگر اختلاف دارند [که واقع

می شود یا نه؟] (۳)

كَأَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

نه چنین است [که می‌پندارند] به زودی [به حتمی بودن

وقوع آن] آگاه خواهند شد. (۴)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ﴿٥﴾

باز هم نه چنین است [که می‌پندارند] به زودی [به حتمی
بودن وقوع آن] آگاه خواهند شد. (۵)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ﴿٦﴾

آیا زمین را بستر آرامش قرار ندادیم؟ (۶)

وَالْجِبَالِ أَوْ تَأَدَّا ﴿٧﴾

و کوه‌ها را میخ‌هایی [برای استواری آن؟] (۷)

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ﴿۸﴾

و شما را جفت‌هایی [به صورت نر و ماده] آفریدیم، (۸)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ﴿٩﴾

و خوابتان را مایه استراحت و آرامش [و تمدد اعصاب] قرار

دادیم، (۹)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ﴿١٠﴾

و شب را پوششی (۱۰)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ﴿١١﴾

و روز را وسیله معاش مقرر کردیم؛ (۱۱)

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ﴿١٢﴾

و بر فرازتان هفت آسمان استوار بنا نهادیم، (۱۲)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ﴿۱۳﴾

و چراغی روشن و حرارت زا پدید آوردیم، (۱۳)

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ﴿١٤﴾

و از ابرهای متراکم و باران زا آبی ریزان نازل کردیم (۱۴)

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ﴿١٥﴾

تا به وسیله آن دانه و گیاه برویانیم، (۱۵)

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ﴿١٦﴾

و باغ‌هایی از درختان به هم پیچیده و انبوه بیرون آوریم. (۱۶)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ﴿١٧﴾

بی تردید روز داوری وعده گاه است. (۱۷)

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾

روزی که در صور می دمند و شما گروه گروه به عرصه محشر

می آیید، (۱۸)

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾

و آسمان گشوده می شود، پس به صورت درهایی درمی آید. (۱۹)

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾

و کوه‌ها را [از جای خود] روان کنند و سرابی شوند! (۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾

بی تردید دوزخ کمین گاه است. (۲۱)

لِلطَّٰغِيْنَ مَآبًا ﴿٢٢﴾

جایگاه بازگشت برای سرکشان و طاغیان است. (۲۲)

لَا يَثْنِيٰ فِيْهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾

روزگاری دراز در آن بمانند. (۲۳)

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾

در آنجا نه [آب] خنکی می چشند و نه آشامیدنی [باب طبع] (۲۴)

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾

مگر آب جوشان و چرکاب و خونابه‌ای [از بدن دوزخیان] (۲۵)

جَزَاءٌ وَفَاقًا ﴿٢٦﴾

پاداشی است مناسب [اعمالشان.] (۲۶)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾

اینان بودند که به [روز] حساب امیدی نداشتند، (۲۷)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ﴿٢٨﴾

و آیات ما را به شدت و با همه وجود انکار می کردند (۲۸)

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾

و [ما] همه چیز را [از خوبی و بدی آنان] برشمرده و در نامه

اعمالشان ثبت کرده ایم. (۲۹)

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

[در قیامت به آنان می‌گوییم:] پس بچشید که هرگز جز

عذاب بر شما نیفزاییم. (۳۰)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾

بی تردید برای پرهیزکاران پیروزی و کامیابی است. (۳۱)

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿۳۲﴾

باغ‌هایی [سرسبز و خرم] و انواع انگورها (۳۲)

وَكُوعِبَ أَثْرَابًا ﴿٣٣﴾

و دخترانی نورسیده و هم سن (۳۳)

وَكَأَسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾

و جام‌هایی لبریز [از باده طهور] (۳۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا ﴿٣٥﴾

در آنجا نه سخن بیهوده‌ای می‌شنوند و نه دروغ و تکذیبی. (۳۵)

جَزَاءٌ مِّنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا ﴿٣٦﴾

[این] پاداشی کافی و به اندازه از سوی پروردگار توست. (۳۶)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ ۖ لَا
يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾

همان پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، آن
مهربانی که هیچ کس را اختیار چون و چرای با او نیست. (۳۷)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ
أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾

روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند و سخن
نمی گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و سخن
حق و درست گوید. (۳۸)

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَا (۳۹)

آن [روز] روز حق است، پس هر که بخواهد راه بازگشتی به

سوی پروردگارش برگزیند؛ (۳۹)

إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ
وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿٤٠﴾

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم، روزی که آدم آنچه را [از خیر و شر]
پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: ای کاش من خاک بودم [و موجودی
مکلف آفریده نمی شدم تا چنین روز سختی را بینم!] (۴۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
سوگند به فرشتگانی که [روح بدکاران را به شدت از بدن هایشان] بر
می کنند، (۱)

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ﴿٢﴾

و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و

ملایمت از بدن هایشان] بیرون می آورند؛ (۲)

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا ﴿٣﴾

و سوگند به فرشتگانی که [برای اجرای فرمان‌های حق] به

سرعت نازل می‌شوند، (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ﴿٤﴾

و سوگند به فرشتگانی که [در ایمان، عبادت، پرستش و
اطاعت] بر یکدیگر [به صورتی ویژه] سبقت می گیرند، (۴)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ﴿٥﴾

و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر
می کنند؛ (۵)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿٦﴾

[که همه برای رسیدن به پاداش و کیفر برانگیخته می شوند

در] روزی که لرزاننده همه چیز را به شدت بلرزاند؛ (۶)

تَتَّبِعْهَا الرَّادِفَةُ ﴿٧﴾

در حالی که لرزاننده دیگری از پی آن در آید. (۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ﴿٨﴾

دل‌هایی در آن روز مضطرب و هراسان‌اند (۸)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿٩﴾

دیدگانیشان [از ترس و هول قیامت] فرو افتاده است. (۹)

يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ﴿١٠﴾

می گویند: آیا ما [پس از مرگ] به همان حالت اول [که در

دنیا بودیم] باز گردانده می شویم؟ (۱۰)

إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ﴿١١﴾

[شگفتا!] آیا زمانی که ما استخوان‌های پوسیده و ریز ریز

شدیم [باز می گردیم؟! (۱۱)]

قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّهَ خَاسِرَةٌ ﴿١٢﴾

[و] گویند: [اگر قیامتی در کار باشد] بازگشت به حیات

دوباره در آن زمان بازگشتی زیانبار است. (۱۲)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

جز این نیست آن بازگشت فقط با یک بانگ عظیم است [و

بس] (۱۳)

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ﴿١٤﴾

که ناگاه همه بر یک زمین صاف و هموار حاضر شوند. (۱۴)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿١٥﴾

آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۱۵)

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾

ہنگامی کہ پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد (۱۶)

اَذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿١٧﴾

که به سوی فرعون برو؛ زیرا که طغیان کرده است. (۱۷)

فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾

پس به او بگو: می خواهی [از آلودگی شرک و طغیان] پاک و

پاکیزه شوی؟ (۱۸)

وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾

من تو را به سوی پروردگارت راهنمایی می‌کنم تا از او

بترسی [و از طغیان دست برداری.] (۱۹)

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ ﴿٢٠﴾

پس آن معجزه بزرگ تر را به او نشان داد. (۲۰)

فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾

ولی [او آن را] تکذیب کرد و سرپیچی نمود. (۲۱)

ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ ﴿٢٢﴾

سپس [به حق] پشت کرد [و برای نابودی موسی] به تلاش

برخاست! (۲۲)

فَحَشَرَ فَنَادَى ﴿٢٣﴾

پس [قومش را] گرد آورد، و ندا داد (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ ﴿٢٤﴾

و گفت: من پروردگار بزرگ تر شما هستم. (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾

پس خدا ہم [بہ کیفر این ادعای نابجا] او را بہ عذاب

آخرت و دنیا دچار ساخت. (۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى ﴿٢٦﴾

بی تردید در این سرگذشت برای کسی که [از عذاب خدا]

بترسد عبرتی است. (۲۶)

أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾

آیا آفریدن شما [پس از مرگ] دشوارتر است یا آسمان که او

آن را بنا کرد؟ (۲۷)

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا ﴿٢٨﴾

سقفش را برافراشت، پس آن را درست و نیکو قرار داد، (۲۸)

وَأَغْطِشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾

و شبش را تاریکو روزش را روشن ساخت، (۲۹)

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾

و زمین را پس از آن گسترانید، (۳۰)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾

و از آن آبو چراگاهش را بیرون آورد، (۳۱)

وَالْجِبَالِ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾

و کوهها را محکم و استوار نمود (۳۲)

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٣﴾

تا مایه بهرهوری شما و دام‌هایتان باشد. (۳۳)

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ ﴿٣٤﴾

پس زمانی که آن حادثه بزرگ تر [و غیر قابل دفع] در رسد، (۳۴)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ﴿٣٥﴾

در آن روز انسان آنچه تلاش و کوشش کرده به یاد آورد (۳۵)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ * (۳۶)

و دوزخ را برای هر بیننده‌ای آشکار سازند، (۳۶)

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ﴿٣٧﴾

و اما کسی که طغیان و سرکشی کرده (۳۷)

وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾

و زندگی دنیا را [بر زندگی ابد و جاوید آخرت] ترجیح داده، (۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣٩﴾

پس بی تردید جایگاهش دوزخ است؛ (۳۹)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾

و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و نفس

را از هوا و هوس بازداشته است؛ (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾

پس بی تردید جایگاهش بهشت است. (۴۱)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿٤٢﴾

همواره از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع

می شود؟ (۴۲)

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ﴿٤٣﴾

تو از بسیار یاد کردنش [و سخن گفتن درباره آن] چه به

دست می آوری؟ (۴۳)

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ﴿٤٤﴾

نهایتش به سوی پروردگار توسست [کیفیت برپا شدن و زمان
وقوع و اوصافش را کسی جز خدا نمی داند.] (۴۴)

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا ﴿٤٥﴾

وظیفه تو فقط بیم دادن کسانی است که همواره از آن

می ترسند. (۴۵)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

گویی آنان روزی که قیامت را می بینند چنین می پندارند که در
برزخ جز شامگاهی یا صبح گاه آن درنگ نکرده اند! (۴۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَبَسَ وَتَوَلَّى ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

چهره در هم کشید و روی گردانید، (۱)

أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ﴿٢﴾

از اینکه آن مرد نابینا نزد او آمد! (۲)

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَكِّيٰ ﴿٣﴾

تو چه می دانی شاید او [در پرتو تعالیم اسلام از آلودگی]

پاک و پاکیزه شود (۳)

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرُ ﴿٤﴾

یا متذکر [حقایق] گردد و آن تذکر او را سود دهد؛ (۴)

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ ﴿٥﴾

اما کسی که خود را ثروتمند نشان می دهد (۵)

فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى ﴿٦﴾

تو بہ او روی می آوری [و نسبت بہ وی اہتمام می ورزی] (۶)

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾

در حالی که اگر او نخواهد خود را [از آلودگی‌های باطنی و
عملی] پاک کند تکلیفی بر عهده تو [نسبت به او] نیست؛ (۷)

وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَىٰ ﴿٨﴾

و اما آنکه شتابان نزد تو آمد (۸)

وَهُوَ يَخْشَى ﴿٩﴾

در حالی که [از پروردگارش] می ترسد، (۹)

فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ﴿١٠﴾

تو [با روی گردانی] از او به دیگران می پردازی. (۱۰)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾

این چنین [برخوردی شایسته] نیست، بی تردید این آیات
قرآن مایه پند است. (۱۱)

فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿١٢﴾

پس هر که خواست از آن پند گیرد، (۱۲)

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾

در صحیفه‌هایی است ارزشمند (۱۳)

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾

بلند مرتبہ و پاکیزہ (۱۴)

بِأَيِّدِي سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾

در دست سفیرانی (۱۵)

کِرَامِ بَرَرَةٍ ﴿۱۶﴾

بزرگوار و نیکوکار. (۱۶)

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾

مرگ بر انسان، چه کافر و ناسپاس است! (۱۷)

مِنْ أَيْ شَيْءٍ خَلَقَهُ ﴿١٨﴾

[خدا] اور از چه چیز آفریده؟ (۱۸)

مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ﴿١٩﴾

از نطفه‌ای [ناچیز و بی مقدار] آفریده است، پس او را [در

ذات، صفات و اندام] اندازه لازم عطا کرد. (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ﴿٢٠﴾

آن گاه راه [هدایت، سعادت، خیر و طاعت] را برایش آسان

ساخت. (۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ﴿٢١﴾

سپس او را میراند و در گور نهاد، (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ﴿٢٢﴾

و سپس چون بخواهد او را زنده می کند. (۲۲)

كَأَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ﴿٢٣﴾

این چنین نیست [که وظیفه اش را انجام داده باشد] هنوز
آنچه را به او دستور داده به جا نیاورده است. (۲۳)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ﴿٢٤﴾

پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد (۲۴)

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾

که ما [از آسمان] آب فراوانی فرو ریختیم. (۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا * (۲۶)

سپس زمین را [به صورتی سودمند] از هم شکافتیم. (۲۶)

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾

پس در آن دانه‌های فراوانی رویانیدیم، (۲۷)

وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾

و انگور و سبزیجات (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾

و زیتون و درخت خرما.... (۲۹)

وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾

و بوستان‌های پر از درخت تناور و بزرگ (۳۰)

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾

و میوه و چراگاه (۳۱)

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٢﴾

تا مایه برخورداری شما و دام‌هایتان باشد. (۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ﴿٣٣﴾

پس زمانی که آن بانگ هولناک و مهیب در رسد، (۳۳)

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾

روزی که آدمی فرار می کند، از برادرش (۳۴)

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾

و از مادر و پدرش (۳۵)

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾

و از همسر و فرزندان (۳۶)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾

در آن روز هرکسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول
می‌کند [تا جایی که نمی‌گذارد به چیز دیگری پردازد.] (۳۷)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾

در آن روز چهره‌هایی درخشان و نورانی است (۳۸)

ضاحِکَةُ مُسْتَبْشِرَةٍ ﴿۳۹﴾

خندان و خوشحال (۳۹)

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾

و در آن روز چهره‌هایی است که بر آنان غبار نشسته (۴۰)

تَرْهَقْهَا قَتْرَةٌ ﴿٤١﴾

[و] سیاهی و تاریکی آنان را فرا گرفته است؛ (۴۱)

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾

آنان همان کافران بد کارند. (۴۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که خورشید را به هم درپیچند (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾

و هنگامی که ستارگان تیره و بی نور شوند (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾

و هنگامی که کوه‌ها را به حرکت آرند و از جا برکنند (۳)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾

و هنگامی که اموال نفیس و با ارزش رها و بی صاحب شود (۴)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾

و هنگامی که همه حیوانات وحشی محشور شوند (۵)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾

و هنگامی که دریاها مشتعل و برافروخته گردند (۶)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾

و هنگامی که هرکس [با همسان خود] قرین و جفت شوند

[خوبان با خوبان و بدان با بدان] (۷)

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ﴿٨﴾

و هنگامی که از [دختر] زنده به گور پرسند (۸)

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُ ﴿٩﴾

به کدام گناه کشته شده؟ (۹)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ﴿١٠﴾

و هنگامی که نامه‌های اعمال را بگشایند.... (۱۰)

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾

و هنگامی که آسمان را به شدت برکنند و برچینند (۱۱)

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾

و هنگامی که دوزخ افروخته شود.... (۱۲)

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾

و هنگامی که بهشت را نزدیک آرند (۱۳)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾

[در چنین موقعیت و زمانی است که] هر کس هر عملی را

[از خیر و شر] حاضر کرده است، بداند. (۱۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ﴿١٥﴾

پس سوگند به ستارگانی که باز می گردند، (۱۵)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ﴿١٦﴾

ستارگانی که به سرعت می روند و پنهان می شوند (۱۶)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾

و سوگند به شب هنگامی که [روی می آورد، و زمانی که]

می رود (۱۷)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾

و سوگند به صبح هنگامی که می دمد [و با گستردن نورش

تاریکی را می زداید] (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾

که قرآن کلام فرستاده‌ای ارجمند و بزرگوار است. (۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾

نیرومندی که نزد صاحب عرش دارای مقام و منزلت است؛ (۲۰)

مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾

آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.... (۲۱)

وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾

و رفیق و یار شما دیوانه نیست. (۲۲)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾

بی تردید امین وحی را در افق روشن دیده است، (۲۳)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾

و او نسبت به [ابلاغ و تعلیم] آنچه به او وحی می شود،

بخیل نیست (۲۴)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾

و قرآن، کلام شیطان رانده شده نیست؛ (۲۵)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾

پس [با انکار قرآن و روی گرداندن از آن] کجا می روید؟ (۲۶)

إِنَّهُ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾

قرآن فقط وسیله یادآوری و پند برای جهانیان است؛ (۲۷)

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾

برای هرکس از شما که بخواهد [در همه شؤون زندگی مادی

و معنوی] راه مستقیم بی‌ماید (۲۸)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

و شما [طی راه مستقیم را] نخواهید خواست مگر آنکه خدا

پروردگار جهانیان بخواهد. (۲۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾

و هنگامی که ستارگان پراکنده شوند (۲)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾

و هنگامی که دریاها شکافته شوند [و به هم پیوندند] (۳)

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾

و هنگامی که قبرها زیر و رو شوند، (۴)

عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ ﴿٥﴾

هرکسی آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده و باز پس نهاده
بداند. (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ﴿٦﴾

ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده

است؟ (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾

همان کسی که تو را آفرید و اندامت را درست و نیکو ساخت
و متعادل و متناسب قرار داد، (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾

و تو را در هر نقش و صورتی که خواست ترکیب کرد. (۸)

كَأَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ ﴿٩﴾

این چنین نیست [که سبب ارتکاب گناهانتان مغرور بودنتان به
بزرگواری پروردگار باشد]، بلکه روز جزا را تکذیب می کنید [و با
این تکذیب، راه گناه را به روی خود باز می نمایید،] (۹)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾

و بی تردید بر شما نگهبانانی گماشته‌اند (۱۰)

کِرَامًا کَاتِبِینَ ﴿۱۱﴾

بزرگوارانی نویسندہ (۱۱)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾

که آنچه را [از خیر و شر] انجام می دهید، می دانند [و ضبط
می کنند.] (۱۲)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿١٣﴾

به یقین نیکان در نعمت فراوانی قرار دارند (۱۳)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾

و مسلماً گناهکاران در دوزخ اند (۱۴)

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾

[که] روز پاداش در آن درآیند، (۱۵)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾

و آنان از دوزخ غایب نمی شوند (۱۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٧﴾

و تو چه می دانی روز جزا چیست؟ (۱۷)

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٨﴾

باز چه می دانی روز جزا چیست؟ (۱۸)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ﴿١٩﴾

روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی کند، و
در آن روز، فرمان و حکم ویژه خداست. (۱۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

وای بر کم فروشان! (۱)

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾

آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانه و وزن می ستانند،

تمام و کامل می ستانند، (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿٣﴾

و چون برای آنان پیمانه و وزن کنند، کم می دهند. (۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾

آیا اینان یقین ندارند که حتماً برانگیخته می‌شوند؟ (۴)

لِیَوْمٍ عَظِیمٍ ﴿۵﴾

برای روزی بزرگ، (۵)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾

روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پا می ایستند. (۶)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾

این چنین نیست که می‌پندارند [در آن روز] یقیناً پرونده

بدکاران در سِجِّین است. (۷)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينُ ﴿۸﴾

و تو چه می دانی که سجّین چیست؟ (۸)

کِتَابُ مَرْقُومٍ ﴿۹﴾

قضا و سرنوشتی حتمی [برای خائنان] است. (۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان. (۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾

آنان که همواره روز جزا را تکذیب می کنند. (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾

و آن را جز هر متجاوز گناه پیشه تکذیب نکند، (۱۲)

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

[که] هرگاه آیات ما را بر او خوانند می گوید: افسانه‌های

پیشینان است. (۱۳)

كَأَلْبَلٍ سَرَّانٍ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾

این چنین نیست که می گویند، بلکه گناهانی که همواره مرتکب شده اند بر دل هایشان چرک و زنگار بسته است [که حقایق را افسانه می پندارند]. (۱۴)

كَأَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾

این چنین نیست که آنان می پندارند، بلکه اینان در آن روز از
پروردگارشان محجوب اند. (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

سپس آنان بی تردید وارد دوزخ می شوند. (۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾

[به آنان] گویند: این است آن دوزخی که همواره تکذیبش

می کردید. (۱۷)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ ﴿١٨﴾

این چنین نیست [که این سبک مغزان درباره نیکان
می‌پندارند] بلکه پرونده نیکان در علیین است (۱۸)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا عَلِيُونَ ﴿١٩﴾

تو چه می دانی علیین چیست؟ (۱۹)

کِتَابُ مَرْقُومٍ ﴿۲۰﴾

قضا و سرنوشتی حتمی [برای نیکان] است. (۲۰)

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾

مقربان آن را مشاهده می کنند. (۲۱)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾

بی تردید نیکان در نعمتی فراوانند (۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾

بر تخت‌ها [ی آراسته و پرارزش تکیه زده و مناظر زیبای بهشت را
با چشم سر و جمال محبوب را با چشم دل] می‌نگرند. (۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾

در چهره‌هایشان شادابی و طراوت نعمت را می‌یابی. (۲۴)

يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾

آنان را از باده ناب و طهوری که سربسته و مُهر و موم شده

است، می نوشانند. (۲۵)

خِتَامُهُ مِسْكَ^ج وَفِي ذَلِكَ فَلَيْتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾

مُهر و مومش مشک است، و رقابت کنندگان و مسابقه گران
باید به سوی این نعمت‌ها بر یکدیگر پیشی گیرند، (۲۶)

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾

و [این باده ناب مُهر و موم شده،] آمیخته‌ای از «تسنیم»

است (۲۷)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾

[آن] چشمه‌ای که همواره مقربان از آن می‌نوشند. (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾

بدکاران همواره [در دنیا از روی ریشخند و استهزا] به مؤمنان

می خندیدند (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿٣٠﴾

و هنگامی که بر آنان می گذشتند آنان را با اشاره چشم و ابرو

به مسخره می گرفتند، (۳۰)

وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾

و چون به خانواده خود باز می گشتند [به سبب تمسخر

مؤمنان] خوشحال و شادمان باز می گشتند، (۳۱)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

و هنگامی که مؤمنان را می دیدند، می گفتند: بی تردید اینان

گمراه اند؛ (۳۲)

وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿٣٣﴾

و حال آنکه کافران را بر مؤمنان نگهبان و مراقب نفرستاده
بودند [که مراقب هدایت و گمراهی آنان باشند.] (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

پس امروز همواره مؤمنان به کافران می خندند. (۳۴)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٣٥﴾

بر تخت‌ها [ی آراسته و پرارزش تکیه زده] می‌نگرند (۳۵)

هَلْ تُؤَبَّ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

که آیا کافران را در برابر آنچه همواره انجام می دادند کیفر

داده اند؟ (۳۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

وَأَذِنتُ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعت از

فرمان،] سزاوارتر گردد (۲)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾

و هنگامی که زمین گسترده شود (۳)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾

و آنچه را در درون دارد بیرون افکند، و تهی گردد (۴)

وَأَذِنتُ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعت از

فرمان،] سزاوارتر گردد، (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾

ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی،
پس او را [در حالی که مقام فرمانروایی مطلق و حکومت بر همه چیز ویژه
اوست و هیچ حکومتی در برابرش وجود ندارد،] دیدار می‌کنی، (۶)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ﴿٧﴾

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند، (۷)

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾

به زودی با حسابی آسان به حسابش رسیدگی شود، (۸)

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

و خوشحال و شادمان به سوی خانواده اش [در بهشت] باز

گردد، (۹)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾

و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سرش دهند، (۱۰)

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ﴿١١﴾

به زودی با فریادی حسرت بار، هلاکت و نابودی خود را

خواهد، (۱۱)

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾

و در آتش افروخته در آید. (۱۲)

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾

او همواره در میان خانواده اش [به ثروت و مال و مقام]

خوشحال و شادمان بود. (۱۳)

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ﴿٤﴾

او می پنداشت که هرگز پس از مرگ [به حیات دوباره] باز

نخواهد گشت. (۱۴)

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾

آری، بی تردید پروردگارش نسبت به [همه امور] او بینا بود [از
این جهت تمام اعمال و دست آوردش را برای پاداش و کیفر ثبت
کرد.] (۱۵)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾

سوگند به سرخی کنار افق به هنگام غروب خورشید (۱۶)

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾

و سوگند به شب و آنچه را [از موجودات پراکنده شده در

روز، در خانه‌ها و لانه‌ها] جمع می‌کند (۱۷)

وَالْقَمَرَ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾

و سوگند به ماه هنگامی که بَدَر کامل می شود (۱۸)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾

که شما حالی را پس از حالی [که مراحل مختلف زندگی است و
در سختی و زحمت مطابق یکدیگرند] طی می کنید [تا به دیدار
پروردگارتان نایل آید.] (۱۹)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۲۰﴾

پس اینان را چه می شود که ایمان نمی آورند؟! (۲۰)

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾

و هرگاه قرآن را بر آنان خوانند، خاضع و تسلیم نمی شوند؟!

(۲۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ ﴿٢٢﴾

بلکہ کافران همواره انکار ہم می کنند! (۲۲)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾

و خدا به آنچه [از انکار، کفر، نفاق، حسد و...] در دل خود

جمع می کنند، داناتر است. (۲۳)

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۲۴﴾

پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ
مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

مگر آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
که آنان را پاداشی جاودان و بی منت است. (۲۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به آسمان که دارای برجهاست (۱)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾

و سوگند به روزی که [برپا شدنش را برای داوری میان مردم]

وعده داده‌اند (۲)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾

و سوگند به شاهد [که پیامبر هر امت است] و مورد مشاهده

[که اعمال هر امت است؛] (۳)

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾

مرده باد صاحبان آن خندق [که مؤمنان را در آن سوزاندند]. (۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾

آن آتشی که آتش گیرانه اش فراوان و بسیار بود، (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾

هنگامی که آنان پیرامونش [به تماشا] نشسته بودند (۶)

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾

و آنچه را از شکنجه و آسیب درباره مؤمنان انجام می دادند

تماشاگر و ناظر بودند (۷)

وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

و از مؤمنان چیزی را منفور و ناپسند نمی داشتند مگر
ایمانشان را به خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده؛ (۸)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدٌ ﴿٩﴾

خدایی که مالکیت و فرمانروایی آسمانها و زمین در سیطره
اوست و خدا بر همه چیز گواه است. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ
عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾

کسانی که مردان و زنان مؤمن را مورد شکنجه و آزار قرار دادند،
سپس توبه نکردند، نهایتاً عذاب دوزخ و عذاب سوزان برای آنان
است. (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾

بی تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند
بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، ویژه آنان
است، این است کامیابی بزرگ. (۱۱)

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾

بی تردید به قهر گرفتن و مجازات پروردگارت بسیار سخت

است. (۱۲)

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾

اوست که [مخلوقات را] می آفریند، و [پس از مرگ] باز

می گرداند.... (۱۳)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

و او بسیار آمرزنده و دوستدار [مؤمنان] است. (۱۴)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾

صاحب عرش و ارجمند [و عالی صفات] است. (۱۵)

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾

آنچه را بخواهد [بی آنکه بازدارنده‌ای در برابرش باشد]

انجام می‌دهد. (۱۶)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾

آیا خبر آن سپاهیان به تو رسیده است؟ (۱۷)

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾

[سپاهیان] فرعون و ثمود [که به سبب تکذیبشان به عذابی

دردناک دچار شدند؛] (۱۸)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾

[فقط آنان تکذیب گر نبودند] بلکه کافران [قوم تو] در

تکذیبی سخت ترند.... (۱۹)

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾

و خدا از همه سو بر آنان احاطه دارد. (۲۰)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿۲۱﴾

[چنین نیست که درباره قرآن می‌پندارند] بلکه آن، قرآنی

باعظمت و بلند مرتبه است (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

که در لوح محفوظ است [به همین خاطر از دستبرد هر

تحریف گری مصون است.] (۲۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به آسمان و به چیزی که در شب پدیدار می شود؛ (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾

و تو چه می دانی چیزی که در شب پدیدار می شود،

چیست؟ (۲)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾

همان ستاره درخشانی است که پرده ظلمت را می شکافد. (۳)

إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

هیچ کس نیست مگر اینکه بر او نگهبانی است. (۴)

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

پس انسان باید با تأمل بنگرد که از چه چیز آفریده شده

است؟ (۵)

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

از آبی جهنده آفریده شده است؛ (۶)

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوان‌های سینه زن

بیرون می‌آید. (۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

بی تردید خدا بر بازگرداندن انسان [پس از مرگش]

تواناست، (۸)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾

روزی که رازها فاش می شود. (۹)

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

پس انسان را [در آن روز در برابر عذاب] نه نیرویی است و

نه یاورى. (۱۰)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾

سوگند به آسمان که دارای باران فراوان و پرریزش است. (۱۱)

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾

و سوگند به زمین که [برای جوشیدن چشمه‌ها و کشت و
زراع و رویدن نباتات] دارای شکاف است. (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾

بی تردید که این قرآن، سخنی جداکننده [میان حق و باطل]

است (۱۳)

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾

و آن هرگز شوخی نیست. (۱۴)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾

آنان همواره [برای خاموش کردن نور حق] حيله می کنند (۱۵)

وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾

و من [هم در برابر آنان] چاره و تدبیری [مناسب] می‌کنم. (۱۶)

فَمَهْلٍ الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهمْ رُؤَيْدًا ﴿١٧﴾

پس کافران را مهلت ده و مدت اندکی آنان را در این حالی

که هستند، واگذار. (۱۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
نام پروردگار برتر و بلند مرتبه ات را [از هرچه رنگ شرک خفی و جلی
دارد] منزّه و پاک بدار. (۱)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾

آنکہ آفرید، پس درست و نیکو گردانید۔ (۲)

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾

و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد، (۳)

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ ﴿٤﴾

و آنکه چراگاه را رویانید، (۴)

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ ﴿٥﴾

و آن را خاشاکی سیاه گردانید، (۵)

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَىٰ ﴿٦﴾

به زودی قرآن را بر تو می خوانیم، پس هرگز فراموش نخواهی

کرد، (۶)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ^ج إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى^{*(۷)*}

جز آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و آنچه را پنهان است،

می‌داند. (۷)

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٨﴾

و تو را برای آسان ترین راه [که شریعت سمحه و سهله

است] آماده می کنیم. (۸)

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ﴿٩﴾

پس [مردم را] اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتد. (۹)

سَيَذَرُ مَنْ يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾

کسی که از خدا می ترسد، به زودی متذکر می شود. (۱۰)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١١﴾

و کسی که از همه بدبخت تر است از آن کناره می گیرد. (۱۱)

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾

همان کسی که در آتش بزرگ تر در می آید. (۱۲)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾

آن گاه در آنجا نه می میرد و نه به خوشی زندگی می کند. (۱۳)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾

بی تردید کسی که خود را [از زشتی‌های باطن و ظاهر] پاک
کرد، رستگار شد. (۱۴)

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾

و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. (۱۵)

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾

[ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید]

بلکه زندگی دنیا را [بر آن] ترجیح می دهید. (۱۶)

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٧﴾

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. (۱۷)

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٨﴾

همانا این [حقایق] در کتاب‌های آسمانی پیشین هست. (۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾

[در] کتاب‌های ابراهیم و موسی. (۱۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
آیا خبر حادثه هولناکی که [همه انسان ها را از هر سو] فرا می گیرد، به
تو رسیده است؟ (۱)

وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾

در آن روز چهره‌هایی زبون و شرمسارند؛ (۲)

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ﴿٣﴾

[آنان که همواره در دنیا] کوشیده‌اند و خسته شده‌اند [و]

سرانجام سودی نیافته‌اند] (۳)

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾

در آتشی سوزان درآیند. (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ ﴿٥﴾

آنان را از چشمه‌ای بسیار داغ می‌نوشانند؛ (۵)

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿٦﴾

برای آنان طعامی جز خار خشک و زهرآگین وجود ندارد (۶)

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾

که نه فربه می کند و نه از گرسنگی بی نیاز می نماید. (۷)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ﴿٨﴾

در آن روز چهره‌هایی شاداب و باطراوت‌اند (۸)

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةً ﴿٩﴾

از تلاش و کوشش خود خشنودند (۹)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾

در بهشتی برین اند (۱۰)

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَا غِيَةَ ﴿١١﴾

در آنجا سخن لغو و بیهوده نشنوند (۱۱)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾

در آن چشمه‌ای روان است (۱۲)

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾

[و] در آنجا تخت‌هایی بلند و با ارزش قرار دارد (۱۳)

وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾

و [در کنار چشمه‌هایش] قدح‌ها نهاده شده است (۱۴)

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾

و [دیگر از نعمت‌هایش] بالش‌هایی پهلوی هم چیده [برای

تکیه زدن بهشتی‌ها] ست (۱۵)

وَزَرَابِي مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾

و فرش‌هایی زربافت و گسترده [که روی آن می‌نشینند.] (۱۶)

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾

آیا با تأمل به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾

و به آسمان که چگونه بر افراشته شده؟ (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾

و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب شده؟ (۱۹)

وَالِى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾

و به زمین که چگونه گسترده شده؟ (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای؛ (۲۱)

لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾

تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی،] (۲۲)

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾

ولی کسی که [به دنبال تذر پی در پی] روی گردانید و کفر

ورزید. (۲۳)

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾

پس خدا او را به عذاب بزرگ تر عذاب خواهد کرد. (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾

قطعاً بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

آن گاه بی تردید حسابشان بر عهده ماست. (۲۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْفَجْرِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به سپیده دم (۱)

وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾

و به شب‌های ده گانه (۲)

وَالشَّفَعِ وَالْوَثْرِ ﴿٣﴾

و به زوج و فرد (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿٤﴾

و به شب هنگامی که می گذرد. (۴)

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرِ ﴿٥﴾

آیا در آنچه گفته شد، سوگندی برای خردمند هست؟ (۵)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾

آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۶)

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾

و [با آن شهر] اِرم که دارای کاخ‌های با عظمت و

ساختمان‌های بلند بود؟ (۷)

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾

همان که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (۸)

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾

و با قوم ثمود آنان که در آن وادی [برای ساختن بناهای

استوار و محکم] تخته سنگ‌ها را می‌بریدند؟ (۹)

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾

و با فرعون نیرومند که دارای میخ‌های شکنجه بود؟ (۱۰)

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾

همانان که در شهرها، طغیان و سرکشی کردند؟ (۱۱)

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾

و در آنها فساد و تباه کاری فراوانی به بار آوردند؟ (۱۲)

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾

پس پروردگارت تازیانه عذاب‌های گوناگون را بر آنان فرو

ریخت. (۱۳)

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿٤﴾ ۱

بی تردید پروردگارت در کمین گاه است؛ (۱۴)

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ
رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾

اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی داردش
و نعمتش بخشد، می گوید: پروردگارم [چون شایسته و سزاوار
بودم] مرا گرامی داشت، (۱۵)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي
أَهَانَنِ ﴿١٦﴾

و اما چون او را بیازماید، پس روزی اش را بر او تنگ گیرد،
گوید: پروردگارم مرا خوار و زبون کرد. (۱۶)

كَأَلْبَلٍ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

این چنین نیست که می‌پندارید، بلکه [زبونی، خواری و دور شدن شما
از رحمت خدا برای این است که] یتیم را گرامی نمی‌دارید (۱۷)

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾

و یکدیگر را بر طعام دادن به مستمند تشویق نمی کنید (۱۸)

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾

و میراث خود را [با میراث دیگران بی توجه به حلال و حرام

بودنش] یک جا و کامل می خورید (۱۹)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

و ثروت را بسیار دوست دارید. (۲۰)

كَأَلَا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

این چنین نیست که می‌پندارید، هنگامی که زمین را به

شدت درهم کوبند (۲۱)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

و [فرمان] پروردگارت برسد، و فرشتگان صف اندر صف

حاضر شوند، (۲۲)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ۚ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ
الذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾

در آن روز دوزخ را بیاورند، در آن روز انسان متذکر شود و
کجا این تذکر برای او سودمند افتد؟! (۲۳)

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾

می گوید: ای کاش برای این زندگی ام [عبادت خالصانه و

کار نیک] پیش فرستاده بودم. (۲۴)

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند، (۲۵)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

و هیچ کس چون به بند کشیدن او به بند نکشد. (۲۶)

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷)

اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از

تو خشنود است، باز گرد. (۲۸)

فَاَدْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

پس در میان بندگانم درآی (۲۹)

وَادْخُلِيْ جَنَّتِيْ (۳۰)

و در بهشتم وارد شو. (۳۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

قسم می خورم به این شهر، (۱)

وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾

در حالی که تو در آن جای داری (۲)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾

و سوگند به پدر و آنچه زاده است؛ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾

همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. (۴)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾

آیا گمان می کند که هرگز کسی بر او دست نیابد؟! (۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ﴿٦﴾

می گوید: ثروت فراوانی را [برای مبارزه با پیامبر و اسلام]

تباه کرده ام! (۶)

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

آیا گمان می کند که هیچ کس او را ندیده است [که همه

اعمال و کردارش را ثبت کند؟] (۷)

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟ (۸)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾

ویک زبان و دو لب؟ (۹)

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم [تا راه خیر را بگزینند

و راه شر را واگذارد؟] (۱۰)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾

پس شتابان و با شدت به آن گردنه سخت وارد نشد؛ (۱۱)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾

و تو چه می دانی آن گردنه سخت چیست؟ (۱۲)

فَلْ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾

آزاد کردن برده، (۱۳)

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾

یا طعام دادن در روز گرسنگی و قحطی، (۱۴)

يَتِيْمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾

به یتیمی خویشاوند، (۱۵)

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾

یا مستمندى خاک نشین؛ (١٦)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا
بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾

علاوه بر [انجام] این [تکالیف]، از کسانی باشد که ایمان
آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده‌اند؛ (۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

اینان سعادتمندان اند؛ (١٨)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾

و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان شقاوتمندانند (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد [که هیچ راه گریزی از

آن ندارند.] (۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به خورشید و گسترش روشنی اش (۱)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها ﴿٢﴾

و به ماه هنگامی که از پی آن برآید (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰهَا ﴿٣﴾

و به روز چون خورشید را به خوبی آشکار کند (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

و به شب هنگامی که خورشید را فرو پوشد (۴)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾

و به آسمان و آنکه آن را بنا کرد (۵)

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاها ﴿٦﴾

و به زمین و آنچه را گستراند (۶)

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾

و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، (۷)

فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾

پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد. (۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾

بی تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد،

رستگار شد. (۹)

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾

و کسی که آن را [به آلودگی‌ها و امور بازدارنده از رشد]

بیالود [از رحمت حق] نومید شد. (۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾

قوم ثمود به سبب سرکشی و طغیانش [پیامبرشان را]

تکذیب کرد، (۱۱)

إِذْ أَنْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾

زمانی که بدبخت ترینشان به پا خاست. (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾

پس فرستاده خدا به آنان گفت: ناقه خدا و آبشخورش را

[واگذارید] (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوا وَهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ
فَاسْوَاَهَا ﴿١٤﴾

ولی به تکذیب او برخاستند و ناقه را پی کردند، و در نتیجه
پروردگارشان به خاطر گناهشان عذاب سختی بر آنان فرو ریخت
و همه قوم را با خاک یکسان و برابر ساخت؛ (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

و خدا از سرانجام آن کار [که نابودی ستمکاران است]

پروایی ندارد. (۱۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به شب هنگامی که فرو پوشد (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾

و به روز هنگامی که آشکار شود (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣﴾

و به آنکه نر و ماده آفرید؛ (٣)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾

همانا تلاشتان گوناگون و پراکنده است؛ (۴)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾

اما کسی که [ثروتش را در راه خدا] انفاق کرد و پرهیزکاری

پیشه ساخت (۵)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾

و وعده نیکوتر را [که وعده خدا نسبت به پاداش انفاق و

پرهیزکاری است] باور کرد؛ (۶)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾

پس به زودی او را برای راه آسانی [که انجام همه اعمال نیک
به توفیق خداست] آماده می‌کنیم (۷)

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾

و اما کسی که [از انفاق ثروت] بخل ورزید و خود را بی نیاز

نشان داد (۸)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾

و وعده نیکوتر را تکذیب کرد، (۹)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾

پس او را برای راه سخت و دشواری [که سلب هرگونه توفیق
از اوست] آماده می‌کنیم، (۱۰)

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾

و هنگامی که [به چاه هلاکت و گودال گور] سقوط کند
ثروتش [چیزی از عذاب خدا] را از او دفع نمی‌کند. (۱۱)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾

بی تردید هدایت کردن بر عهده ماست. (۱۲)

وَإِنَّ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾

و به یقین دنیا و آخرت در سیطره مالکیت ماست. (۱۳)

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾

پس شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم. (۱۴)

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾

[که] جز بدبخت ترین مردم در آن در نیایند. (۱۵)

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾

همان که [دین را] تکذیب کرد و از آن روی گردانید. (۱۶)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾

و به زودی پرهیزکارترین [مردم] را از آن دور می‌دارند. (۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٨﴾

همان که مال خود را انفاق می کند تا [مال]

رشد و نمو کند. (۱۸)

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ ﴿١٩﴾

و هیچ کس را نزد خدا حق نعمتی نیست تا این مالی که انفاق کرده به عنوان پاداش آن نعمت به حساب او گذارد. (۱۹)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾

بلکه [انفاق کننده با تقوا مال خود را در راه خدا انفاق می کند] تا
خشنودی پروردگار و الایش را به دست آورد. (۲۰)

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿٢١﴾

و [بی تردید] به زودی [در قیامت با دریافت لطف، رحمت
حق و پاداش بی پایان او] خشنود خواهد شد. (۲۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالضُّحَىٰ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به ابتدای روز [وقتی که خورشید پرتو افشانی می کند] (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾

و سوگند به شب آن گاه که آرام گیرد، (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾

که پروردگارت تو را رها نکرده و مورد خشم و

کینه قرار نداده است. (۳)

وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿٤﴾

و بی تردید آخرت برای تو از دنیا بهتر است، (۴)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾

و به زودی پروردگارت بخششی به تو خواهد

کرد تا خشنود شوی. (۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾

آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد؟ (۶)

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾

و تو را بدون شریعت نیافت، پس به شریعت هدایت کرد؟ (۷)

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾

و تورا تهیدست نیافت، پس بی نیاز ساخت؟ (۸)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾

و اما [به شکرانه این همه نعمت] یتیم را خوار و رانده مکن (۹)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾

و تهیدست حاجت خواه را [به بانگ زدن] از خود مران (۱۰)

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن. (۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آیا سینه ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ (۱)

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾

و بار گرانت را فرو ننهادیم؟ (۲)

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾

همان بار گرانی که پشتت را شکست. (۳)

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾

و آوازه ات را برایت بلند نکردیم؟ (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾

پس بی تردید با دشواری آسانی است. (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

[آری] بی تردید با دشواری آسانی است. (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾

پس هنگامی که [از کار بسیار مهم تبلیغ] فراغت می‌یابی، به

عبادت و دعا بکوش (۷)

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿۸﴾

و مشتاقانہ بہ سوی پروردگارت رو آور۔ (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به انجیر و زیتون (۱)

وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾

و سوگند به طور سینا (۲)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾

و سوگند به این [مکه] شهر امن (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾

که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال

و ارزش آفریدیم. (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿۵﴾

آن گاہ او را [بہ سبب گناہکاری] بہ [مرحلہ] پست ترین

پستان بازگردانندیم۔ (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ
مَمْنُونٍ ﴿٦﴾

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
پس آنان را پاداشی بی منت و همیشگی است. (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٧﴾

[ای انسان!] پس چه چیزی تو را بعد [از این همه دلایل] به

تکذیب دین و [روز قیامت]، وامی دارد؟ (۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

آیا خدا بہترین داوران نیست؟ (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده ها را] آفریده؛ (۱)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾

[همان که] انسان را از علق به وجود آورد. (۲)

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾

بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین [کریمان] است.

(۳)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾

همان که به وسیله قلم آموخت، (۴)

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

[و] به انسان آنچه را نمی دانست تعلیم داد. (۵)

كَأَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى ﴿٦﴾

این چنین نیست [که انسان سپاس گزار باشد] مسلماً انسان

سرکشی می کند. (۶)

أَنْ رَأَهُ اسْتَغْنَى ﴿٧﴾

برای اینکه خود را بی نیاز می پندارد. (۷)

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾

بی تردید بازگشت به سوی پروردگار توست. (۸)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ

مرا خبر ده، آیا آن کسی که باز می دارد، (۹)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾

بنده‌ای را هنگامی که نماز می‌خواند؟ (۱۰)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ﴿١١﴾

مرا خبر ده، اگر این بنده نمازگزار بر راه راست باشد (۱۱)

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾

یا [دیگران را] به پرهیزکاری وادارد؟ [آیا آن بازدارنده سزاوار

کیفر سخت نیست؟] (۱۲)

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾

مرا خبر ده، اگر این بازدارنده [دین را] تکذیب کند و [از فرمان
حق] روی برگرداند [مستحق مجازات سخت نیست؟! (۱۳)]

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾

مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می بیند؟ (۱۴)

كَأَلَّا لَيْنٌ لَّمْ يَنْتَهُ لَنْسَفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾

این چنین نیست که می‌پندارد [که ما کارهایش را زیر نظر نداریم،]
اگر [از کارهایش] باز نایستد، به شدت موی جلوی سرش را
می‌گیریم [و به سوی دوزخ می‌کشانیم.] (۱۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾

[آری] موی جلوی سر دروغگوی خطاپیشه را (۱۶)

قَلِيدُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾

پس [اگر بخواهد] اهل مجلس و انجمنش را [برای یاری

دادنش] فرا خواند، (۱۷)

سَنَدُ الزَّبَانِيَةِ ﴿١٨﴾

ما هم به زودی مأموران آتش دوزخ را فرا می خوانیم. (۱۸)

كَلَّا لَا تُطِيعُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

این چنین نیست [که بتواند برای نجات خود کاری کند]، هرگز از او اطاعت مکن، و سجده کن و به خدا تقرب جوی. (۱۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾

تو چه می دانی شب قدر چیست؟ (۲)

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾

شب قدر، بهتر از هزار ماه است. (۳)

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾

فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر
و تنظیم] هر کاری نازل می شوند. (۴)

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

این شب تا برآمدن سپیده دم [سراسر] سلام و رحمت است. (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ
مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

کافران از اهل کتاب و مشرکان [از آیین خود] جدا نمی شدند تا آن

دلیل روشن برای آنان بیاید. (۱)

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾

[آن دلیل روشن] فرستاده‌ای [چون پیامبر اسلام] از سوی

خداست که صحیفه‌هایی پاک را می‌خواند. (۲)

فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ ﴿٣﴾

در آنها نوشته‌هایی استوار و بارزش است؛ (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ
الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾

و اهل كتاب درباره دين، [گروه گروه و] پراکنده نشدند مگر پس از
آنكه آن دليل روشن براى آنان آمد [و به طور كامل نسبت به آنان
اتمام حجت شد.] (۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ
وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ۚ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٥﴾

در حالی که فرمان نیافته بودند جز آنکه خدا را پرستند، و ایمان و عبادت را
برای او از هرگونه شرکی خالص کنند، و حق گرا باشند، و نماز را برپا دارند، و
زکات پردازند؛ و این است آیین استوار و ثابت. (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

به یقین کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ اند و در
آن جاودانه اند؛ اینانند که بدترین مخلوقاتند. (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ
الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام
داده‌اند، اینانند که بهترین مخلوقاتند. (۷)

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
عَنْهُ ۚ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

پاداششان نزد پروردگارشان بهشت‌های پاینده‌ای است که از زیر [درختان] آن
نهرها جاری است، در آنها جاودانه‌اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از
خدا خشنودند؛ این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که زمین را با [شدیدترین] لرزشش بلرزانند، (۱)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ﴿٢﴾

و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد، (۲)

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ﴿٣﴾

و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ﴿٤﴾

آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید؛ (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ﴿٥﴾

زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است. (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالُهُمْ ﴿٦﴾

آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه‌های پراکنده
[به سوی منزل‌های ابدی خود بهشت یا دوزخ] باز می‌گردند، تا
اعمالشان را [به صورت تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶)

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ﴿٧﴾

پس هرکس هموزن ذره‌ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند. (۷)

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿٨﴾

و هرکس هموزن ذره‌ای بدی کند، آن بدی را ببیند. (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به اسبان دونده‌ای که همه‌ه کنان [به سوی جنگ] می تازند (۱)

فَالْمُورِيَّاتِ قَدْحًا ﴿٢﴾

و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سمشان از سنگ‌ها

جرقه می‌جهانند (۲)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ﴿٣﴾

و سوگند به سوارانی که هنگام صبح غافل گیرانه به دشمن

هجوم می برند (۳)

فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا ﴿٤﴾

و به وسیله آن هجوم، گرد و غبار فراوانی بر انگیزند (۴)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ﴿٥﴾

و ناگاه در آن وقت در میان گروهی دشمن در آیند؛ (۵)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾

[که] قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است، (۶)

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾

و بی تردید خود او بر این ناسپاسی گواه است، (۷)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾

و همانا او نسبت به ثروت و مال سخت علاقه مند است [و

به این سبب بخل می ورزد.] (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾

آیا نمی داند هنگامی که آنچه در گورهاست برانگیخته شود. (۹)

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾

و آنچه در سینه‌هاست پدیدار گردد، (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ﴿١١﴾

بی تردید در آن روز پروردگارشان نسبت به آنان آگاه است [و بر

پایه اعمال نیک و بدشان به آنان پاداش و کیفر دهد.] (۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْقَارِعَةُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آن کوبنده (۱)

مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾

چیست آن کوبنده؟ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾

و تو چه می دانی آن کو بنده چیست؟ (۳)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾

روزی که مردم [در سراسیمگی] چون پروانه‌های پراکنده‌اند (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾

و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده گردد! (۵)

فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾

اما هرکس اعمال وزن شده اش سنگین و باارزش است؛ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٧﴾

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده‌ای است، (۷)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾

و اما هر کس اعمال وزن شده اش سبک و بی ارزش است، (۸)

فَأُمُّ هَٰوِيَّةَ ﴿٩﴾

پس جایگاه و پناهگاهش هاویه است، (۹)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهٗ ﴿۱۰﴾

و تو چه می دانی هاویه چیست؟ (۱۰)

نَارُ حَامِيَةٍ ﴿ ۱ ۱ ﴾

آتشی بسیار داغ و سوزان است. (۱۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
مباهات و افتخار بر یکدیگر [به ثروت و کثرت نفرات] شما را [از
پرداختن به تکالیف دینی و یاد آخرت] بازداشت؛ (۱)

حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾

تا جایی که گورها را دیدار کردید [و به تعداد مردگان هم به

یکدیگر مباحثات و افتخار نمودید!!] (۲)

كَأَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾

این چنین نیست [که شما می‌پندارید]، به زودی [به آثار
شوم این اوضاع و احوالی که دارید] آگاه خواهید شد. (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾

باز هم این چنین نیست، به زودی آگاه خواهید شد. (۴)

كَأَلَا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾

[زندگی واقعی] این چنین نیست [که می‌پندارید]، اگر به علم الیقین
[که علم استوار و غیر قابل تردید است به آخرت] آگاه بودید [از
تکالیف دینی و توجه به آباد کردن آخرت باز نمی‌ماندید.] (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾

بی تردید دوزخ را خواهید دید. (۶)

ثُمَّ لَتَرَوْهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾

سپس [با وارد شدن در آن،] قطعاً آن را به دیده یقین و باور

خواهید دید. (۷)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

آن گاه شما در آن روز از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد. (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

سوگند به عصر [ظهور پیامبر اسلام] (۱)

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾

[که] بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ
وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را
به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند. (۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

وای بر هر عیب جوی بدگوی! (۱)

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ ﴿٢﴾

همان که ثروتی فراهم آورده و [پی در پی] آن را شمرد [و

ذخیره کرد.] (۲)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾

گمان می کند که ثروتش او را جاودانه خواهد کرد. (۳)

كَأَلَيْسَ لِيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾

این چنین نیست، بی تردید او را در آن شکننده، اندازند؛ (۴)

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْخُطْمَةُ ﴿٥﴾

و تو چه می دانی آن شکننده چیست؟ (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾

آتش برافروخته خداست (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾

[آتشی] که بر دل‌ها برآید و چیره شود. (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ﴿٨﴾

آن آتش بر آنان سربسته است [که هیچ راه گریزی از آن

ندارند؛] (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

[آتشی] در ستون‌هایی بلند و کشیده. (۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با فیل سواران چه کرد؟ (۱)

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾

آیا نیرنگشان را در تباهی قرار نداد [ونقشه آنان را نقش بر آب

نساخت؟! (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾

و بر ضد آنان گروه گروه پرندگانی فرستاد؛ (۳)

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٤﴾

[که] بر آنان سنگ‌هایی از نوع سنگ گِل می‌افکندند. (۴)

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

سرانجام همه آنان را چون کاه جویده شده قرار داد. (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَيْلَافِ قُرَيْشٍ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

[خدا فیل سواران را هلاک کرد] تا قریش را [با یکدیگر و با مردم و با

حرم امن] الفت دهد؛ (۱)

إِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾

[و نیز] به سفرهای [تجارتی] زمستانی و [سفرهای تجارتی]
تابستانی پیوند و انس دهد [تا در آرامش و امنیت، امر معاششان را
تأمین کنند.] (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ﴿٣﴾

پس باید پروردگار این خانه را پرستند؛ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

پروردگاری که آنان را از گرسنگی نجات داد، و از بیمی [که
از دشمن داشتند] ایمنی شان بخشید. (۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

آیا کسی که همواره روز جزا را انکار می کند، دیدی؟ (۱)

فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾

همان که یتیم را به خشونت و جفا از خود می راند، (۲)

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

و [کسی را] به طعام دادن به مستمند تشویق نمی کند. (۳)

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾

پس وای بر نمازگزاران (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾

که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند. (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾

همانان که همواره ریا می کنند (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

و از [دادن] وسایل و ابزار ضروری زندگی [و زکات، هدیه و
صدقه به نیازمندان] دریغ می‌ورزند. (۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.
بی تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه ریشه
می گیرد] عطا کردیم. (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾

پس [به شکرانه آن] برای پروردگارت نماز بخوان و شتر

قربانی کن. (۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

یقیناً دشمن [که به] تو [زخم زبان می زند] خود بدون تبار و
نسل [و بریده از همه خیرات و برکات] است. (۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: ای کافران! (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾

آنچه را شما می پرستید، من نمی پرستم، (۲)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾

و نه شما آنچه را من می پرستم، می پرستید، (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾

و نه من آنچه را شما پرستیده اید، می پرستم، (۴)

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾

و نه شما آنچه را که من می پرستم، می پرستید. (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾

دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم. (۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که یاری خدا و [آن] پیروزی فرا رسد، (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾

و مردم را بینی که گروه گروه در دین خدا درآیند، (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ^ج إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، و
از او آمرزش بخواه، که او همواره توبه پذیر است. (۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

نابود باد قدرت ابولهب، و نابود باد خودش؛ (۱)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾

ثروتش و آنچه از امکانات به دست آورد چیزی [از عذاب خدا را
که در دنیا عذاب استیصال است] از او دفع نکرد. (۲)

سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾

به زودی در آتشی زبانه دار درآید؛ (۳)

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾

و [نیز] همسرش که هیزم کش است [در آتش زبانه دار در

آید.] (۴)

فِي جِدِّهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ﴿٥﴾

[همان که] برگردنش طنابی تابیده از لیف خرماست. (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: او خدای یکتاست؛ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾

خدای بی نیاز [همه موجودات هستی که نیازمند و عین فقرند برای رفع
نیازشان روی به او کنند و از حضرتش گدایی نمایند.] (۲)

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾

نزاده، و زاییده نشده است، (۳)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

و هیچ کس [در ذات و صفات] همانند و همتا و شبیه او

نمی باشد. (۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، (۱)

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾

از زیان مخلوقاتی که [با انحرافشان از قوانین الهی به انسان]

ضرر می‌رسانند، (۲)

وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾

و از زیان شب هنگامی که با تاریکی اش درآید [که در آن تاریکی
انواع حیوانات موذی و انسان‌های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به
انسان در کمین‌اند] (۳)

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾

و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره‌ها [می دمنند و با
این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار
می آورند] (۴)

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد. (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم (۱)

مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾

[به] پادشاہ مردم (۲)

إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾

[به] معبود مردم (٣)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾

از زیان وسوسه گر کمین گرفته و پنهان، (۴)

الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾

آنکه همواره در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند (۵)

مِنْ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

از جنیان و آدمیان. (۶)